مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال اول)
شماره۲/ زمستان ۱۳۹۴ / ص۵۲-۴۱

نسبت زیبایی شناسی و هنر از دیدگاه کانت و کاربرد آن در تعلیم و تربیت

پروانه دودمان[۱]، حیدراسماعیل پور[۲]، مرضیه باقری

[۱] عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

[۲] عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

پروانه دودمان

چکیده

هنر و زیبایی شناسی مربوط به این حیطه از جمله حوزه هایی است که علیرغم چالش بر سر مفاهیم و تعاریف ان، تاکنون مورد توجه متفکرین رشته های مختلف و از جمله فرهنگ و تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در این تحقیق به تعریف دقیق هنر و زیبایی شناسی و کارکردهای ان در تعلیم و تربیت از دیدگاه کانت اشاره شده است. از جمله کارکردهای هنر و زیبایی شناسی رشد خلاقیت، هدایت عواطف، بیان احساسات و یادگیری اجتماعی غیر رسمی قابل ذکر می باشد. همچنین هنر و زیبایی از دیدگاه کانت مفهومی جهانشمول و قابل فهم و یکسان برای تمام افراد بوده که می توان به نحو شایسته ای از آن د ر تعلیم و تربیت استفاده نمود.روش به کار رفته شده د ر این پژوهش توصیفی تحلیلی است که ضمن جمع آوری اسناد و مدارک به تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: زیباشناس تعلیم وتربیت .هنر

مقدمه

تربیت انسان در جهان کنونی متفکران را به نوعی رویکرد مبتنی بر رشد و پرورش مجموعه ای کامل و از تمام استعدادها و تواناییهای انسان ترغیب نموده است.د رجریان بحث فلسفه به شکل کلی و فلسفه آموزش و پرورش شناخت و پیاده شدن آن د رجریان پرورش انسان جایگاه مهمی داشته است . توضیح آنکه از سه شاخه هستی شناسی، معرفت شناسی . ارزش شناسی همواره نحوه دستیابی انسان به معرفت مورد تامل قرار داشته است. چنانکه بین طرفدارن عقل و تجربه به عنوان دو نیروی اساسی کسب معرفت هر زمان متفکرین به بحث و اندیشه ورزی پرداخته اند. به عنوان نمونه در میدان تفکرات فلسفه غرب می توان از عقل گرایان (افلاطون، دکارت، لایبنیتس) در برابر تجربه گرایان (ارسطو، لاک،فرانسیس بیکن) یاد کرد و یا در فلسفه اسلامی مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولانا) از معتقدان به (احساس، شهود) در مقابل عقل گرایان و مشاییون(استدلال و منطق) نام برد . تعلیم وتربیت باید به انسان به گونه ای کامل بنگرد. خداوند با خلقت خود انسان را فقط تشویق و ترغیب به اندیشه بدون ارضا لذت بردن از طبیعت اطراف ننموده است. انسان بنا به فطرت خود دوستدار زیبایی است. زیبایی نباید به عنوان مساله ای فرعی از زندگی انسان کنار گذاشته شود. د راین صورت بخش عظیمی از نیاز انسان به فراموشی سپرده شده و انسان با نقص در معرفت وجودی روبه رو خواهد شد. در ضرورت و اهمیت مساله م یتوان به این مورد اشاره کرد که بدون وجود زیبایی شناسی طی کردن و پیمودن تمام مدارج علمی د ربالاترین حد خود نیز همراه با نقصان است ؛ چون به یکی از مهمترین جنبه های وجود انسان پرداخته نشده است. با توجه به نمودن به این نوع دغدغه و آموزش آن می توان از بسیاری مشکلات رفتاری و روحی و روانی دانش آموز جلو گیری نمود.بنابراین مطلب اساسی توجه کردن به یک جنبه ازقوه و ابزار کسب دانش و آگاهی و نادیده گرفتن ابعاد دیگر وجودی اوست. نقش احساس و تجربه زیبایی شناسی و توجه به درس هنر به شکل کلی توانایی گسترش زیاد مفاهیم و معانی مربوط به حس و تجربه انسان راد دارد .با این توضیحات به نظر می رسد هنر و زیبایی شناسی قادر به بیان حالات احساس و عواطف پاک انسانی است که می تواند بخش عظیمی ا زاستعداهای انسان و متربیان را شکوفا نماید.و بخش قابل توجهی ا زمعرفت انسان بوسیله هنر و مفاهیم زیبایی شناسی قابل انتقال است و زوشی دیگر قادر به ارضا و کشف علم و آگاهی در این حوزه نیست.

سابقه تعاریف معاصر در حوزه هنر

هنر با توجه به دوره های تاریخی گوناگون و شرایط زیسته احوالی گوناگون داشته است. آی ورین(۲۰۰۴) این دوره ها را با ویژگیهای متمایزی بیان می کند. تا پایان قرن نوزدهم به طور کلی پذیرفته شده بود که هنربا هدف زیبایی ، وابسته به دوره تاریخی، ذهنی و وابسته به زمینه هستی شناسی است. در اوایل نیمه قرن بیستم هنر از نقش خود برای نشان دادن واقعیت و بیان زیبایی آزاد شد. هنرمندان ادراکات متفاوت جهانی خود را بیان می کردند. کوبیسم، فایوسم و اکسپرسیونیسم نمونه هایی از این هنرها هستند..

اولین شخصی که هنر را به صورتی مستقل از معیار زیبایی شناسی تعریف کرد فیلسوف آلمانی "کونارد فیدلر بود. او ادعا کرد که هنر به منظور علت و عاملی خوشایند کننده بوجود نمی آید ، بلکه روشی جدید است که ما با آن جهان را می شناسیم . تجربه زیبایی شناسی بیشتر به عنوان تنها خصوصیتی فلسفی و شناختی است.

هایدگر(۱۹۵۰) در کتاب خود زیبایی شناسی را با نسبت دادن و شناخت هنری نه زیباشناسی و هدف مرتبط می کند. هنر در دوران گذشته ابتدا با ریشه های خود در فرهنگ و ارزش بوجود آمد. واین وضعیت تا به حال نیز در اکثر فرهنگها به همین شکل ادامه می یابد. اما در برخی نظرات و دیدگاههای فلسفی چنین دیدگاهی پذیرفتنی نیست. از جمله افراد مهم در قرن بیستم که بین زیبایی شناسی و هنر ارتباط داد ویتگنشتاین بود او ادعا کرد کار هنری به طور کامل واقعیت عینی را بدون مداخله اخلاق نشان می دهد.

از نظر کانت در فعالیت هنری، عقل و احساس مکمل هم هستند؛ چنان‌که در شناخت مکمل بودند و احکام شناختی با مشارکت هردو صادر می‌شود. در فرآیند خلق یک اثر هنری هم چون دیگر مصنوعات بشری، عقل و اراده محور قرار می‌گیرد و به همین جهت معماری انسان هنر نامیده می‌شود، ولی کندوی زنبوران، اثر هنری تلقی نمی‌شود"وارنوک (۱۹۸۷) در مورد کانت بر این نکته تاکید دارند که یکی از خوبیهای کانت توانایی او برای سازگار کردن بسیاری نظرهای مختلف در طیفی گسترده به طورجامع و منظم است."(فولادوند، ۱۳۷۲)

بنابراین هنر از کار کردن و عمل کردنی که صرفاً از روی غریزه صورت می‌گیرد، متمایز است. از طرفی دیگر از علم و دانش هم جداست؛ چرا که هنر نحوی توانستن است. ولی علم، دانستن است و در نهایت، کانت، هنر را از پیشه‌وری هم که همواره به‌واسطه مزدی که در پی‌دارد،

صورت می‌گیرد، جدا می‌داند؛ چه در علم و چه در پیشه‌وری همواره غرض و غایتی نهفته است؛ حال آن‌که اثر هنری هرچه بیشتر باید در بی‌غرضی به زیبایی طبیعی نزدیک‌تر باشد و غایت هنر، خود هنر باشد نه چیزدیگر.

"کانت به احساسات و حالات دورنی شخص اشاره دارد. تحلیل امر زیبا ا ز ناحیه کانت در چهار لحظه تبیین می شود . این چهار لحظه عبارت اند از کمیت، کیفیت، نسبت و جهت. نکته قابل تامل آن است که درونی ترین حالات نسبت به هنر و زیبایی را تبیین کرده است"(ضیمران و پازوکی، ۱۳۸۳)

سهم عمده کانت استقلال بخشیدن به حکم زیبل شناختی بود . زیرا از شناخت نظری و عملی متمایز است. احکام زیبا شناختی احکامی غیر شناختی(غیر نظری) هستند که عموما معتبرند.به نظر کانت در ک و تلقی فرد از زیبایی " الف " کشف خصوصیتی در "الف" نیست. به بیان دقیق تر توجه به "الف" است که برخی احساس ها را در فرد بوجود می آورد. هدف زیبایی شناختی کانت نشان دادن چگونگی امکان داوری زیبایی شناختی است.

"احکام زیبایی شناختی نباید به عنوان احکام نظری یا عملی تلقی شوند؛ اما این احکام مربوط به امرصرفا مطبوع یا نامطبوع قابل تقلیل نیستند" به این معنا زیبایی به حقیقت و خیر نزدیکتر است تا به امر صرفا مطبوع یا نامطبوع. اما احکام زیبایی شناختی صرف غیر شناختی اند"(استیفن بوس ۲۰۱۰)

تعلیم و تربیت نیازمند ملاک عینی و مورد توافق با ثبات نسبی است. دیدگاه کانت ترسیم کننده چنین فضایی است. مطبوع و یا نامطبوع یادآور لذتهای متناسب با شهوت و غریزه حیوانی است. اما زیبایی شناسی و بعد تا اندازه ای یکسان و مورد توافق همگان سعی در ارضا تمایلات روحانی و انسانی دارد.زیبایی احساسی در سوژه و نه به مفهوم یک ابژه ارجاع می یابد.

"قرن هیجدهم را عصر پیشرفت سریع علم به ویژه علوم طبیعی ثبت کرده اند .یکی از نتایج پیشرفت بی سابقه علوم فاصله گرفتن روز افزون آن از زندگی مردم بوده است. فاصله بین آرمان و واقعیت زندگی عین است و بایستی انعکاس این امر در فلسفه به صورت اختلاف میان "نقد عقل محض" و" نقد قوه عملی جلوه کند. هنر ایفاگر نقش میانجی رفع شکاف عالم انسانی از عالم علم و التزام اخلاقی و عملی زندگی می شود."(عبادیان ۱۳۷۹)

ضرورت توجه به هنر و زیبایی شناسی در آموزش و پرورش

تدوین محتوی زیبا و کتبی که دانش آموز بتواند به مفهوم واقعی کلمه زیبایی را بفهمد و از آن لذت ببرد نکته ای مهم است.سوالاتی در ارتباط با دو شاخه زیبایی شناسی و مفهوم هنر مطرح می شود و نظام آموزش و پرورش باید بتواند پاسخهایی مطلوب و رضایت بخش را فراهم نماید.آیا دروس هنر در آموزش و پرورش قادر به معرفی مفهوم زیبایی شناسی می باشند؟ آیا دانش آموزان تعبیر درستی از زیبایی دارند و هنرهای رایج در محیط آموزشی قادر به انتقال این مفهوم است؟زیبایی تا چه اندازه در را رشد و کمال انسان به وی کمک می کند و ضرورت دارد؟آیا تعاریف نادرست مانعی د ر راه پیشرفت کلی انسان نیستند؟ اینها سوالاتی است که هنگام بحث راجع به زیبایی و هنر به ذهن می رسد.. معیار و استاندارد تقریبا نزدیک و مشابهی که می توان از آن جهت تبیین مفهوم کارامد هنر و زیبایی شناسی استفاده کرد مفهوم "فطرت" و نگاه ذاتی به اشیا بدون اضافه کردن و الحاق شرایط فرهنگی،فکری و... است. کانت معتقد است زیبایی دارای دو ویژگی جهانشمولی و آزاد از غرض و هدف است. به عبارت دیگر زیبا را هرکس با هر دین، مذهب و... دریافت می کند و تفاوتی در آن دیده نمی شود و این که شی، پدیده و... زیبا عاری از سود و غرض است و مخاطب و دانش آموز هیچ نفعی ا زآن انتظار نخواهد داشت. در فهم زیبایی شناسی دخالت عوامل گوناگون گاه بدون جهت چونان لکه ای است که اگر بر سطح آینه قرار گیرد اشیا دیده نمی شوند.

بنابراین طبق تعبیر کانت د رآموزش و پرورش زیبایی هم باید بدون غرض و لایه ای از منفعت و سود باشد . پدیده زیبادر ذات خود زیبا ست و نیازی به همراه شدن با چیزی ندارد.همان گونه که خداشناسی، نوعدوستی و... بنا به طبقه، دین، رسوم و... تعریف نمی شود و امری کلی است که برای هرکسی قابل فهمیدن و شناخته شدن است، از دیدگاه کانت مفهوم زیبایی را نیز دانش آموز با هر نژاد و زبانی می فهمد و هیچ چیز قادر به نفی و امکان دریافت و فهم آن نیست.

نکته قابل توجه آن است که در جریان پرورش انسان مفاهیم کاملا به گونه های مختلفی تعریف می شوند و اینجاست که ضرورت تعریف حقیقی کلمه نمود پیدا می کند ."شاید برای شناختن کیفیت زیبا آسان ترین راه این باشد که زیبایی را که با پاره ای کیفیات و صفات دیگر

که غالبا مشابه هم تفسیر می شوند بسنجیم، یعنی بسنجیم آیا زیبا دارای همان کیفیاتی است که به عنوان مطبوع، مفید، یا کنش جنسی و یا حقیقت خوب نامیده می شود"(وزیری، ۱۳۲۹)

به عنوان نمونه ممکن است از خدا پرستی، نوعدوستی تعاریف گوناگون شود اما فقط انسان دارای فطرت پاک چون آیینه قادر به درک مفهوم خدا شناسی، نوعدوستی و... می شود. در مورد زیبایی شناسی نیز چنین است. زیبایی در طول تاریخ اندیشه های تربیتی به صورتهای گوناگون تعریف شده است.لذت امور جنسی، منفعت و ... از جمله مواردی است که سو تعبیر از مفهوم زیبایی شناسی را بوجود آورده است.

به نظر می رسد باید محتوی برنامه درسی را به گونه ای تدوین نمود و از مفاهیمی کمک گرفت که دانش آموز به راحتی و درستی فهمی از زیبایی را بدست آوردو مفاهیم شبه زیبا جایگزین زیبا نشود.

زیبایی شناسی کانت و دلالتهای آن در تعلیم و تربیت:

زمانی که ما برخی چیزها را زیبا تجربه می کنیم، کانت یاد آوری می کند که ما هیچ چیزی در مورد خود زیبایی تجربه نمی کنیم، درعوض ما در حال تجربه کردن احساسات خود در مورد خوشی و لذت هستیم.

"اگر ما می خواهیم تشخیص دهیم که آیا هر چیزی زیبا هست یا نه، ما به نمایش و بازنمایی موضوع و احساس لذت و نارضایتی آن بر می گردیم و این هیچ چیز را در شی نشان نمی دهد، بلکه این احساسی است که موضوع از خودش دارد."(kant, ،)

هنگامی که ما هیچ چیزی را در مورد خود یک شی هنگام قضاوتمان در این مورد که آن زیباست به صورت عینی تجربه نمی کنیم، تجربه زیبایی هنوز به خوبی همان احساسی است که ما با یک ادعای دانش در مورد یک موقعیت عینی از کارها داریم."(kant, ،

همان گونه که او اشاره می کند ، ما نمی توانیم زمینه ای اخلاقی برای لذت زیبایی شناسی که براساس اصول اخلاقی بنا شده باشد را پیدا کنیم. زیبایی مطلق است که در تعامل با شکل گیری نظریات و اندیشه های بشری تغییری در ان احساس نمی شود.

"وارنوک (۱۹۸۷) درموردکانت براین نکته تاکید دارندکه یکی ازخوبیهای کانت توانایی اوبرای سازگارکردن بسیاری نظرهای مختلف درطیفی گسترده به طورجامع ومنظم است."(فولادوند، ۱۳۷۲)

توجه به هنر و زیبایی شناسی به عنوان وسیله ای جهت شکوفایی استعدادهای انسان مربوط به جنبه های مختلف شخصیت او واقعیتی روشن است. شکوفایی استعدادها چون با تعریفی واحد همراه نبوده ، محصول تربیتی به گونه های مختلف به منصه ظهور رسیده است. به عنوان نمونه در جهت فهم زیبایی و احساسات و حالات نیک رفتاری همراه با آن، هنر گاه با عناوینی چون مسایل جنسی ، شوق، احساس و تمایلات با هدف سود و زیان بوده و هنرمند با این هدف به کار هنری و فعالیت زیبا شناسی می پرداخته است.و به فعالیت خود ادامه می داده است؛ اما دیدگاه کانت برای مشخص کردن حدود زیبایی و هنر دقیقا به واژه شناسی و تعیین کردن حد و مرز زیبایی شناسی اشاره کرده است . " در نقد قوه داوری ، کانت ادعا کرد که داوری رغبت "میل" بر یک اصل ذهنی بنا شده است ، اما ان اعتبار جامع و کاملی دارد . این اصل ذهنی آنچه را که خوشایند و ناخوشایند است را برای ما تنها از طریق احساس نه از طریق مفاهیم مشخص می کند. یک خصوصیت پیشینی از میل و رغبت انعکاس دهنده اصل متعالی مورد قبول کلی است و فقط مانند یک اصل متعالی" غیر تجربی" می تواند باشد"(اتالی، ۲۰۰۷)

بنابراین می توان گفت که زیبایی شناسی کانت و شناخت مفهوم زیبایی توانسته است به خوبی حد ومرز زیبایی و کلمات مشابه را مشخص نماید. در تعلیم وتربیت کنونی مخصوصا بلوغ و نوجوانی متعلم دغدغه احساسات و امور زیبا را دارد .و با توجه بهفن آوری اطلاعات و ارتباطات د رمعرض تعابیر به ظاهر درستی از زیبایی از رسانه ها اینترنت، ماهواره و... قرار می گیرد . شناخت مفهوم زیبایی از دیدگاه کانت با ویژگی و اعتبار مطلق و حکمی پیشین بودن و از طرفی توافق همگانی داشتن ملاک و معیار واژه شناسی است که راه را به روشنی برای متعلم هموار می کند و از این واژه درکی متاسب با موقعیت در حال تغییر خواهد داشت

کانت ضمن تحلیلل دیدگاههای سابق به تعریفی از زیبایی شناسی با ذکر مفاهیم و تحلیل و تعریف واژه هایی چون نسبت، کیفیت، کمیت و تغییر پذیری تعریف با معیار و ملاک مشخصی می رسد." ذوق قدرت قضاوت در چیزی یا در واقعه یا نمودی است بوسیله خرسندی بی شایبه که عاری از هر سودی باشد، موضوع چنین خرسندی زیبا نامیده می شود. زیبا ان است که بدون دخالت مفاهیم کلی مورد پسند عمومی واقع شود، زیبایی خود شکلی از غایت است د رحالی که غایتی در آن دیده نمی شود. زیبا بدون دخالت مفهوم کلی به چیزی اطلاق می شود که از آن رضایت جویی حاصل آید.

زیبایی شناسی و هدایت عواطف دانش آموز در تعلیم و تربیت:

تمرکز انسان بر حوزه کسب معرفت و حتی نگاه دقیق بر عواطف و احساسات فرد را از حیران شدن و سردرگمی نجات می دهد و او را به ارضا نمودن صحیح و استفاده از این حس با ارزش یعنی زیبا شناسی قادر می سازد. استفاده از مفاهیم شبه زیبا با عناوینی چون لذت، خوشایندی و رغبت ، دانش آموز را از در یافت احساس زیبا باشناسانه دور نموده و دانش آموز رغبتی به کسب معارفی د رزمینه های سعادت و کسب فضایل نخواهد داشت.عواطف انسان در کنار قوای ذهنی نیازمند پرورش و هدایت صحیح است. همان گونه که با امور شبه شناختی دانش آموز توان رقابت رد عرصه تفکر را نخواهد داشت و فقط فرد به اصطلاح معلوماتی دارد و این اطلاعات بر قوه تعقل و تفکر فرد اثری ندارد، به همین شکل نیز دانش آموز نا اشنا به زیبایی شناسی و نا اگاه به ان همواره ا ز سو تعبیرات و نااشنایی واقعی با این حوزه تعلیم و تربیتی ناقص دارد. در این جا با توجه به نظان آموزشی و فلسفه آموزش و پرورش حاکم بر آن باید به خوبی دانش آموز را هدایت نماید که دریافتی از زیبایی داشته باشد. در غیر این صورت بنا به عدم تناسب این مفهوم با ساختار ذهنی کودک و دانش آموز هیچ گاه به آرامش دست نمی یابد. "زیبایی شناسی به عنوان یکی ا زاهداف و جهت گیریهای اساسی تربیت هنری د رپی آن است تا شناخت ها، علایق و عواطف مثبت و سازنده ای را در دانش آموزان که نشانگر قدر شناسی و ارزش گذاری آنان به هنر و فعالیتهای هنری می باشد ایجاد کند"(امینی، ۱۳۸۳)

تاکید بر واقعیت و حقیقت زیبایی و توافق بر ملاک ها و استانداردهای زیبایی به عنوان ملاکی قابل قبول شبهات و استفاده نادرست و جایگزین از تعریف این مفهوم را بر ملا می سازد.

کارکردهای هنر در تعلیم و تربیت:

علیرغم رشد و پیشرفت روز افزون علم و دانش هنوز ناشناخته های زیادی در حوزه رفتار انسان وجود دارد که شایسته پژوهش و تحقیق است. هنر و زیبایی یکی از زمینه های مهم کاربردی در دیدن و غور این دنیای ناشناخته انسان است." تنها تجربه است که می تواند زهدانی را که در آن اثری هنری نطفه بندی شده است را بارور سازد. آنچه قوه تخیل هنرمند خوانده می شود- یعنی آن قسمت ا ز روال آفرینندگیش که حاصل کار هنری را از پیش در نظر می آورد در برابر آن قسمت دیگر که عمل آفرینش را انجام می دهد- صرفا به دستگاهی می ماند که در آن تجربیات زندگیش بررسی و دسته بندی می گردد"(نیوتون، ۱۹۷۵)

هنر نقشی عظیم د ر رفتار انسان دارد و مایه شگفتی بسیار است اگر د رنظر بیاوریم که هنرمندان بلند پرواز و خیال پرواز با چه مهارتی توانسته اند همان تجربیات پیش پا افتاده زندگی را آنچنان گیرا و جالب در آثار خود منعکس سازند.

استقلال هنر و کاربرد آن د رتعلیم و تربیت انسان مساله ای است که کروچه بدان توجه نموده .نظر او راجع به این موضوع با این جملات وی تبیین می شود که وی معتقد است" فرد را فقط بوسیله شناخت حسی که مبنای دید هنری است می توان شناخت و عقل هیچ وقت حقیقت فردی اشیا را درک نمی کند، بلکه سروکارش با کلیات معقول یعنی رابطه و نسبی است که بین مفهوم یک شی و اشیا دیگر وجود دارد.(بند توکروچه، ۱۹۵۲)

هنر و خلاقیت :

بنا بر دوری نمودن از دیدگاههای مکانیستی و مستقل بار آوردن کودک در زمینه های مورد علاقه وی ، توجه به خلاقیت کودک بسیار مهم است. علاوه بر آن هنر چونان حیطه ای است که به خوبی قابلیت رشد و بوجود آوردن "تفکر انتقادی" ، Critical Thinking در فراگیران را دارد. از طریق شاخه های مختلف هنر (موسیقی شعر، نقاشی و...) قادر به آموزش مفهوم زیبایی خواهیم بود .با این نگاه دانش آموز توان

حرکت کردن و جولان اندیشه و احساس می شود. در چنین فضایی است که انسان قادر به لذت بردن و حس کردن ساختار وجودی خود است. همچنین توجه و احترام به ذات خویشتن از درون می جوشد. برخلاف حوضچه ای که آن را از آب پر کنیم ، چونان چشمه ای است که از خود زایش دارد و اینجاست که دانش آموز به شناخت دقیق تر و بیشتر استعدادهای خود پی می برد." گویی هنرند واقعی اثری چنان سرشار از آن جوهر خدایی که در درون دارد می آفریند که آن اثر وجودی قایم به ذات می یابد و چنین می نماید که برخورد او از حیات درون وی نیاز از دنیای بیرونش است"(مرزبان، ۱۳۷۴)

همان گونه که کانت می گوید، بدون مفهوم و زمینه ای ذهنی ما در مورد زیبایی صحبت می کنیم، به گونه ای که آن کیفیت موضوع است.این ضرورت یک نوع ضرورت مخصوصی است ، نه یک ضرورت و لزوم عینی نظری، به گونه ای که بتواند به عنوان یک امر پیشینی شناخته شود و هرکسی بتواند این رضایتمندی را در مورد موضوعی که به عنوان مثال زیبا نامیده می شود را در یابد و نه یک ضرورت و لزوم عملی به وسیله معانی مفاهیم یک خوبی محض است(kant

کارکرد اجتماعی هنر درتعلیم و تربیت:

با گسترش شبکه های آموزش مجازی و فن آوری اطلاعات و ارتباطات، حوزه یادگیری انسان از شکل رسمی جهشی عظیم به سود آموزشهای غیر رسمی را داشته است. ماهواره، اینترنت، عکس و پوسترها و تصاویر دیجیتالی محیط اجتماعی پیرامون از جمله مواردی است که هنر توانسته با نفوذ و سرایت د راین ابزارها محتوی یادگیر ی را به شکل دلخواه انتقال دهد. واقعیت اساسی انتقال محتوی نه شکل تلقینی و ساختگی از جمله مواردی است که مخاطب ممکن است فهم روشن و درستی ا زمحتوا را نداشته باشد و این نیازمند به فنون و مهارتهایی استت که مخاطب د رکنار عجین نمودن ارزشهای فکری مورد قبول بدان دست می یابد."در دوره هایی از تاریخ که هنر پیشرفت داشته است از پیدایش پیشنهاد زیبایی شناسانه خبری نیست . اما این نوع پیشنهاد با دوران انحطاط هنری تقارن دارند."(شایان، ۱۳۸۰)

آفرینش هنری در پرتو داشتن جهان بینی کاملا منسجمی است که تعاریف انسان از ابعاد مختلف او را تحت تعریف واحدی قرار می دهد . فهم از پدیده های اطراف که در قالب هنر قابل فهم است، نیازمند مسلط بودن دانش آموز و تسلط بر محتوایی است که بتواند خود دست به گزینش زدن و انتخاب نماید.

هنر وترویج فعالیتهای گروهی و جمعی دانش آموز:

کانت ایده لذت و زیبایی را به عمدتا اجتماعی و در ارتباط دو چیز تشریح کرده و معنای لذت شامل عنصر ارتباط و اشتراک در خودش می باشد. حتی این معنا پیش فرض و ارتباطات همگانی است. این عنصر فراتر از هر عنصر تجربی است. اما این ارتباط، مفهومی و نظری نیست.کانت می گوید:" با " حس مشترک" هرچند، باید ایده و اندیشه ارتباط و اشتراک همگانی فهمیده شود{...} این به وسیله انجام قضاوتی از فرد است البته نه به شکل واقعی به گونه ای قضاوت مطلق ممکن ا زدیگران، و قرار دادن او در موقعیت هر کس دیگری ، بلکه این بوسیله انتزاع از محدودیتهایی که به قضاوت خود ما مرتبط است صورت می گیرد"(۱۷۹۰, Kant)

وجود ایده تعامل و فعالیت گروهی در پرتو مفاهیمی که کانت تعریفی مشخص ا زآن ارایه نکرده اما به وجود آن اذعان نموده، تبیین کننده وجود معانی و مفاهیمی است که از اشتراک برخوردار بوده و می تواند کاربردی در فعالیتهای جمعی داشته باشد. هنر و ذکر این مفاهیم از دیدگاه کانت، پیوند دهنده فعالیت دانش اموز در سطوح مختلف استعداد و ادراک مفاهیم است که شاید زبان فعالیت علمی و ... قادر به توضیح آن نیست. همچنین هنر نزدیک کننده فعالیتهای ادیان، رسوم و... است که با تاکید براشتراکات و نقاط همبستگی می تواند نقشی مهم داشته باشد. هنر و مفاهیم مطلق و خارج از تجربه ای که کانت مطرح نموده، قادر به تدوین برنامه ای منسجم و یکدست برای فراگیران است. چون این گونه مفاهیم به گونه ای نیست که فقط دانش آموز با استعداد قادر به درک آن باشد و به گفته کانت "قضاوت فرد نه به شکل واقعی"، است منظور از واقعیت عدم توان درک فرد(الف) دقیقا به شکلی که(ب) آن را درک کرده باشد، بلکه حقیقتی حتما در ان وجود دارد. و این سازنده ارتباط و وجود همبستگی در افراد است.

کانت د رمورد عینیت قضاوت کردن و زیبایی شناسی درمقایسه این دو فعالیت اشاره می کند.:"قوه قضاوت کردن فرد تحت طبقه و گروه مفاهیم می گنجد،اما در قوه زیبایی شناسی از قضاوت کردن یک نفر در طبقه ای قرار دارد که صرفا یک عنوان و مقوله ای" حسی " است، از تخیل و فهم متقابلی از هر شکل نمایش داده شده ای از موضوع است که می تواند فریبنده باشد"(kant، 1780)

هنر و بیان (Expertion) دانش آموز د رتعلیم و تربیت:

در این زمینه می توان به دیدگاه هرمنوتیک و نگاه چند وجهی آنها اشاره نمود. بیان و یا دیدگاه اکسپرسیونیسم در فلسفه هنر دادن مجال شکوفایی استعداد انسان است که با آن کل ساختار وجودی انسان قادر به نمایش است و دانش آموز مجال نمایان کردن و شکوفایی استعداد خود را بدین وسیله بدست می آورد.

" هرمنوتیک طریقتی است که در آن توجه ما معطوف به حوزه خاص حضوری است که با ابتنای بر آن تفکر صورت می بندد"(ریخته گران،۱۳۸۰). د رتفکر هرمونتیک بحث منطق و علم است اما هنر به خصوص شعر تحلیل حضوری است. هنر بدین طریق بیواسطه قادر به بیان مفهوم زیبایی شناسی است زیراچنانکه که گفته شد زیبا مورد توافق همگان است ودانش آموز می تواند از طریق علم حضوری که رنگ و گرد و غباری کمتری بر آن می نشیند به توصیف و توضیح پدیده زیبا اشاره کند. .بیان خودآگاه و ناخودآگاه فرد و باز شدن روزنه ای که از طریق هنرافکار و احساستات فرد بروز پیدا نماید، هرچند این افکار و حساسات و شناخت و ی ناقص باشد ، فرد به ارزیابی و اصلاح آن اقدام می نماید. هوسرل فیلسوف آلمانی معتقد است:هنرمند هنرش را از روی اصول نمی آفریند و لذا هیچ گاه نمی تواند خود توضیح درستی درباره آن بدهد. زیرا د رتوضیح و تبیین یک امر تصورات و تصدیقات د رکار است. یعنی علم حصولی مداخله م یکند، در صورتی که مرتبه ایجاد اثر هنری مرتبه حضوری است

با توجه به مشکل مشخص نبودن ملاک و استاندارد در حیطه علوم مربوط به هنر ، وجود همبستگی این دو با هم ضرورتی انکار ناپذیر است." در واقع ترکیب دستاوردهای عمومی هنر جذب نظری گرایشهای اساسی و اصول زیبایی شناسی، انعکاس ان قوانین عینی است که هنرمندان بدون اجتناب از رسالت و هنر قادر به چشم پوشی از آنها نیست."(آونرراین، ۱۹۸۰)

هنر و زیبایی شناسی از حوزه های چالشی دوران معاصر است که علیرغم نیاز به انتقال محتوی آموزشی از طریق هنر و مضامین ان چون زیبایی شناسی توافق زیادی بر مفاهیم و مضامین این حوزه نیست .زیبایی مفهومی است که گسترش و آموزش آن بر خلاف مربوط به حوزه استدلال و منطق مستلزم استفاده از ابزارهای گوناگون هنری است. همچنین تعریف این مفهوم آن را از کلمات مشابه خوشایند، رغبت و هوس که مرز نزدیکی با زیبایی دارند جدا می کند. امانویل کانت از جمله افرادی است که توانسته مفاهیم مربو ط به این حوزه را تا اندازه ای تحلیل نماید. . نخستین نوشته کانت در باره زیبایی شناسی کتابی به نام مطالعاتی درباره" احساس زیبا و با شکوه " است . پرورش و حرکت انسان در مسیر سعادت خود همواره مستلزم داشتن اهداف و استفاده از ابزارهای گوناگون در حوزه علوم رفتاری و طبیعی است . گاه استفاده نادرست و سو تعبیر از مفاهیم در این حوزه ها به جای رساندن او به مقصد او را از مسیر دور می کند. هنر و زیبایی شناسی از جمله این مباحث چاش انگیز است

"زیبایی شناسی و اصطلاح زیبایی شناسی به مواردی از جمله تجربه، کیفیت یک موضوع، احساس خوشایندی و لذت، مفهومی خاص در هنر ، داوری در مورد رغبت، توانایی ادراک یک ارزش، نگرش، نظریه هنر، نظریه زیبایی، روش زندگی، شاخه ای فلسفی یک نوع ذهنیت شایستگی اشکال مشخص و فعالیت بیان هنری انسان تعریف شده است".(زالتا،۲۰۱۳).همان گونه که ملاحظه می کنیم زیبایی شناسی قلمرویی وسیع از احساسات مربوط به انسان تا نظریات مربوط به هنر و زیبایی شناسی را در بر می گیرد. به توضیح دیگر زیبایی شناسی به عنوان یکی از شاخه های ارزش شناسی که از حوزه های مهم فلسفه بوده و کاربردی اساسی در تعلیم و تربیت انسان داشته همواره است، بر خلاف معرفت شناسی و یا هستی شناسی ،همواره از داشتن تعریفی مشخص و قابل توافق به دور بوده است. می توان گفت هنر و مباحث زیبایی شناسی از چالش برانگیز ترین مفاهیم حوزه علوم انسانی است " زیبایی شناسی تا کنون از دیدگاه متفکرین به گونه های متفاوتی تعریف شده و توافق اندکی بر سر آن وجود دارد.از جمله مفاهیم هنری که نشان دهنده عدم تعین و نامشخص بودن واقعیت و حقیقت در مباحث مربوط به زیبایی شناسی و هنر است. سروش (۱۳۷۷) معتقدند منابعی که که تا کنون نزد اندیشمندان حوزه هنری بوده نقش شان تحریک کسانی است که که از این طریق وارد شناسایی جهان می شوند . انسان هنگامی هنرمند می شود که هستی به چهره خاصی بر او تجلی کند و به قول ارسطو هستی باید به شکل مهیب(با شکوه) بر فرد تجل یابد تا آدمی را به خود متوجه کند.

هنر ابزار بیان ویژگیها و خصوصیاتی است که افراد به بیان استعداد خویشتن که گاه نمایان کردنش ا زطریق دیگر ممکن نیست اقدام می کنند.

ماندوری(۲۰۰۰) بر کاربرد زیبایی شناسی کانت در آموزش و پرورش تاکید دارد. او چگونگی مفهوم پاسخ زیبایی شناسی و چگونگی ارتباط آن را با شناخت انسان به منظور توضیح کاربردش برای کار عملی واقعی بیان می کند و تاکید دارد که مدلهای موجود در زمینه فهم زیبایی شناسی افراد را قادر به شناخت انواع متفاوت فرایندهای متفاوت شناختی برای آموزش در تمام رشته ها می کند.

از نظر کانت داوری ذوقی به شکل" این چیز زیباست" تایید لذتی است که از آن چیز نتیجه شده و بدون استفاده از مفاهیم و مقوله های شناختی اعتبار و امکان انتقال به دیگری یعنی توانایی بیان شدن را دارد.(احمدی، ۱۳۷۷)

به نظر کانت زیبایی چیزی است هم طبیعی و هم انسانی، اما هنر پدیده ای است یکسر انسانی. وجود نیروی ذاتی و عریان از هر تجربه آلوده به هوی و هوس انسانی حقیقتی است که متربی نیازمندمواجه شدن با آن است. از دیدگاه کانت زیبایی هنر دارنده چنین خصوصیتی است" زیبایی چشم انداز جنگل هیچ بهره ای برای ما ندارد، لذت و آرامش ناشی از تماشای این چشم انداز یک سر رها است از بهره. اگر با اثر هنری به سودای بهره بردن از آن در جهت خاصی رویارو شوید، در واقع آن را به عنوان یک سند در نظر گررفته اید و نه به عنوان کاری زیب

ملاحظه بارز بازار شهوات و سوتفاهم و سو تعابیری که د رمورد معنای زیبایی شناسی به کار می رود، انسان را در جستجوی واژه ای عریان از منافع زمانه، حیوانیت و کلمه ای وا می دارد که عهدی دیرینه با انسان داشته و خاص اوست. کانت میان سه چیز تفاوت می گذارد.امر مطبوع، امر زیبا و امر خیر. امر مطبوع میل، هوس،اشتیاق و شهوت را ارضا می کند و مشترک انسان و حیوان است. امر خیر چیزی است که آن را با ارزش می شناسد، هممچون کنش اخلاقی ، که در نهایت دارای بهره و سود نیز هست. این امر ویژه موجودات عاقل است خواه انسانخواه فرشتگان. اما امر زیبا هیچ ربطی به میل و خواست و شهوت ندارد.سرچشمه آن حس است و به همین دلیل ویژه موجودات زنده خرد ورز و حساس یعنی خاص انسان است

"زیبا آن است که لذتی بیافریند رها از بهره و سود ، بی مفهوم و همگانی که چون نمایشی بی هدف باشد"(احمدی، ۱۳۷۷)

حس دریافتن و لذت بردن از پدیده های هستی بدون عناوین و برچسبهای لذت جنسی و شهوت مساله ای است که باید د رتعلیم و تربیت انسان به آن اذعان نمود .با تحلیل زیبایی ها و مصادیق خارجی که نام و عناوین زیبایی را گرفته اند به خوبی می توان زیبا و زشت را از یکدیگر جدا نمود. علاوه بر این ویژگی در ک واحد، یگانه و همگانی افراد از زیبایی نیز مورد دیگری است که کانت بدان اشاره نموده است

"شکل همگانی رضایت " یعنی پیش فرض داوری زیبایی شناسی است که در واقع مستقل از مفاهیم است.(کانت، ۱۹۶۳)

کانت از جمله افرادی است که دیدگاههای وی در زمینه اخلاق و زیبایی شناسی تحولات چشمگیری را در تربیت انسان بوجود آورد وی ابتدا در تعریف خود از زیبایی شناسی حد و مرز دقیق این کلمه را مشخص کرد" همانند قضاوت زیبایی شناسانه ، در استفاده کانت از این کلمه ، داوری و قضاوت چیزی است که بنا شده بر احساس خوشایندی و ناخوشایندی است. طبق دیدگاه مرسوم کانت سه نوع دیدگاه قضاوت زیبایی شناسانه وجود دارد قضاوت دلپذیر، قضاوت زیبایی یا برابری، سلیقه یا قضاوت امر والا"(گینسبورگ، ۲۰۱۲). تعریف روشن و مشخص و جدا کردن واژه های گمراه کننده در تعلیم وتربیت سوق دهنده متربی به سوی اهداف مشخص و داشتن تصویری دقیق و مشخص است که این کار توسط کانت صورت گرفت)

این ضرورت و لزوم یک نوع مخصوص و ویژه است ، نه یک لزومی عینی و نظری، به توضیحی آن می تواند به عنوان مورد پیشینی شناخته شود که هرکس با زیبایی و در موضوعی که من آن را زیبا می نامم، احساس رضایت و خوشحالی کند ؛ نه این که درک وفهم لزوما جهت درک کردن نیاز باشد.

انسان شخصیتی یکپارچه دارد درک نظری و عملی او جدای از یکدیگر نمی باشد. همان گونه که از اخلاق جهانشمول صحبت کرده "چنان رفتار کن که بتوانی بخواهی رفتار تو به صورت اصل همگانی در آید. ایده زیبایی وی نیز ریشه در غایتمندی کلی انسان و سیر حرکت او به غایات را دارد و این دو موضوع جدای از یکدیگر نمی باشند. اصطلاح زیبایی شناسی بین سالهای ۱۷۷۰- ۱۷۵۷ در کتابی توسط فیلسوف آلمانی به نام الکساندر بامگارتن به نام گرفته شد "(احمدی،۱۳۸۲) او در این کتاب زیبایی شناسی را به همان علم آگاهی محسوس تعریف می کند.

"نظریه زیبایی شناسی و نظریه غایتمندی کانت از یک طرف عمق ارتباط بین نظریه زیبایی شناسی کانت و فلسفه نظری اش را روشن می کنند و از طرف دیگر فلسفه عملی او را تبیین می نمایند"(گوپر و آلیسون، ۲۰۰۶)

چرخشی خفیف و اندک د رنظریات کانت د رتعریف وی از زیبایی شناسی صورت گرفت

" در نقد قوه داوری او از زیبایی شناسی به طریقی استفاده کرد که قبلا و زمانی دورتر ایده ای غیر قابل مقتضی و مصلحت بود. اما در اینجا زیبایی شناسی کانت تحقیقی در معنا و مفهوم در مورد داوری و قضاوت کردن میل و رغبت می باشد و مدام کانت از این مفهوم زیبایی شناسی به گونه ای شناخت ذهنی استفاده می کرد"(مولر و ترام، ۲۰۰۰)

"برقرار کردن قانون ها به وسیله مفهوم های طبیعت ، کار فهم است و کاری است نظری و برقرار کردن قانون ها بوسیله آزادی کار خرد است و کاری است فقط عملی"(رشیدیان ، ۱۳۷۷) کانت در اینجا زیبایی شناسی ، میل و رغبت را بینابین عقل نظری و عملی مورد بررسی قرار می دهد" در خانواده تواناییهای برتر شناسایی ما، یک توانایی هست که میانه فهم و خرد است و آن نیروی داوری است که درباره آن می توانیم بگوییم که اگر (مانند فهم و خرد) دارای قدرت ویژه های برای قانون گذاری نباشد این قدر هست که ممکن است اصلی خاص خود را داشته باشد که طبق آن به جستجوی قانون ها برآید"(همان)

پرورش و توجه جامع ویژگیهای شخصیتی افراد

افراط و تفریط و عدم توازن د راستفاده از ابزارهای کسب شناخت انسان را محدود به به حوزه معینی می نماید و انسان به اشتباه و تصور نادرست خود مدعی دانش جامع و کامل است. این در حالی است که این عدم نگاه جامع و توجه نکردن به تمام ابعاد شخصیتی فرد معرفتی ناقص را برای متربی بوجود می آورد.انسان دارای ابعاد شناختی، عاطفی و روانی حرکتی) است که معرفت حاصل ترکیب این سه بعد است (سیف، ۱۳۸۸) .توجه به هنر و زیبایی شناسی پرورش دهنده احساس و عواطف فردی است که انسان بخش عظیمی از معرفت را از این طریق کسب می کند. نادیده گرفتن زیبایی شناسی نقصان انتقال معرفت بشری را به همراه خواهد داشت.جدا کردن جنبه های گوناگون شخصیتی انسان به معنای قلمرو بهتر و برتر بخشی بر قسمت دیگر ساختار وجودی او نیست.پس بنابراین استدلال و تفکر بدون پشتوانه ادراک حسی و تجربه زیبایی شناسی معرفتی ناقص است. " منظور از عنصر عینی د ر زیبایی این است که چیز زیبا ، خود از خصایصی برخوردار است که آن را زیبا می گرداند. عنصر ذهنی در زیبایی ، سهم و نقش ادراک و ادراک کننده را در آن نشان می دهد"(باقری،۱۳۸۹)

هنر و توجه به استعدادهای گوناگون افراد در تعلیم وتربیت

متربیانبا ویژگی خلقت وجودی دارای استعداهای گوناگونی هستند که هرکدام د رتمام این ابعاد سرآمد نمی باشند؛ بلکه با ساختار متفاوت و توانایی د راستدلال و برهان و یا احساسات هنری و زیباشناسی خویش، آفریننده نظرات و دیدگاههایی مجزا و متفاوت بنا به استعداد خویشند. این نکته نشان دهنده توجه به تمام متربیان با هر سطح تفکر و هر گونه نشانه غنی و سر رشته پیشرفت در وی است. وکسلر(۱۹۸۷) معتقد است برای اندازه گیری سطح توانایی فرد فقط هوش شناختی کافی نیست و حوزه های مربوط به فعالیت فیزیکی ، اجتماعی و هوش عملیاتی را نیز طرح کرده سوالاتی را در این موارد تدوین نموده است.این گوناگونی و تفاوت دیدگاههای حوزه های علوم انسانی، تجربی و ریاضی عامل گسترش علم و معرفت بشری است و این نشان دهند ه آیینها یمختلف فکری به تمام افراد د رهر سطح فکری و با هر بعد شخصیتی است. و نقص و خلل و عدم توجه به هرکدام و آموزش نیافتن افراد در هر حوزه ای ، خلل بزرگی در کسب و بدست آوردن معرفت است . ارتباط مهم اخلاق و زیبایی شناسی کانت با توضیحات بالا مبرهن و واضح است. "چنان رفتار کن که بتوانی بخواهی رفتار شما به عنوان اصل همگانی در آید"(نقیب زاده،۱۳۷۷).توجه به استعداهای گوناگون به معنای برتری یافتن قوه و نیرویی خاص چون استدلال و یا حس مربوط به کنکاش زیبایی شناسی در افراد نیست و بدین صورت نوعی تبعیض د ر فراین کسب شناخت برای انسان را به همراه ندارد. پس م یتوان گفت هر کس به هر شناخت و استعدادی توانایی دریافت زیبایی را دارد و شایسته احترام و توجه است.

" یکی از نظریه هایی که در سده ها ی اخیر در مورد هوش مطرح شده و مورد توجه و استعمال بسیاری صاحب نظران قرار گرفته است نظریه هوش های چندگانه است. این نظریه مفهوم سنتی هوش به عنوان یک عامل هستی منفرد را به چالش می طلبد و آن را تعدادی توانمندی در نظر می گیرد که جایگاه هر یک در مغز مشخص است و به طور بالقوه امکان تغییر و توسعه دارند"(امیرتیموری، ۱۳۸۲)

نتیجه گیری:

تعلیم و تربیت سازنده ابعاد مختلف شخصیت انسان است . زیبایی شناسی و هنر از شاخه هایی است که به تربیت بعدی از ابعاد انسان می پردازد که منطق و دروس با محتوی شناختی شان قادر به انجام این کار نیستند. حتی تعریف زیبایی شناسی نیز از جمله اقداماتی است که کانت بدان توجه نموده است. کانت معتقد است: حکم ذوقی به هیچ وجه نه حکم شناختی و منطقی بلکه مربوط به زیبایی شناسی است . تعلیم و تربیت به لحاظ سرو کار داشتن با طیف .وسیعی از متعلمان و استعدادهای گوناگون آنان ، همواره با ید به شناخت آنها و رشهای گسترش علم و دانش آنها توجه نماید.هنر از جمله روشهایی است که فرد د رقالب فعالیتهای نقاشی، موسیقی و... قادر به توضیح و تبیین اندیشه ها و احساسات ناگفته خود است. متاسفانه حوزه تفکر و شناخت ا زجمله مهمترین دغدغه های نظام آموزشی است، در حالی که در تربیت دینی دانش آموزان به راحتی صرفا نمی توان از استدلال و برهان بهره ای جست . در این جا برای فهم محتوایی چون دعا، قران و... فرد باید از احساس لذت کرده و با اعتقاد راستین محتوی متن دینی را در خود احساس نماید. در اینجا صرفا شناخت و درک به فرد کمک نمی کند. نقش هنر در اینجا فراهم کردن زمینه های توجه به این بعد نادیده گرفته شده از شخصیت انسان است. هنر قادر است با موسیقی و تنظیم لحن و صوت به فراگیر کمک نماید که متن را بخواند. صوت و صدای دلنشین قران و طنین موسیقی آن از طریق فعالیت هنری قابل آموزش است. افراط و تفریط به ابزارهای کسب معرفت نیز نکته ای است که باید مورد توجه قرار گیرد . ممکن است تمام دانش آموزان توان و استعداد یادگیری استفاده از ابزار استدلال و برهان را نداشته باشند، اینجاست که هنر جایگاه مهمی در انتقال محتوی دارد. همان گونه که در کارکردهای اجتماعی هنر گفته شد همه دانش آموزان می توانند از تصویر و... استفاده نمایند.

مهمترین استنباط از نظریه زیبایی شناسی کانت به فهم یکسان و عمومی بر پایه فطرت و به شکلی واحد است. با این توضیح د ر برنامه ریزی های کلان و سیاستهای برنامه ریز کلی ، می توان به برنامه هایی که دانش آموز در قالب زیبایی و هنر هر مفهومی را به ذهن خود می سپارد، انتقاد کرد. زیبایی باید بتواند موضوعی باشد که تمام دانش آموزان شناختی فطری و یکسان داشته باشند. از دیدگاه کانت چالش و تغییر و همراه شدن زیبایی با لذت، خوشایندی و لذت جنسی با زیبایی و امر زیبا ارتباطی ندارد.

نکته بعدی این است که پیشنهاد می شود جهت رشد زیبایی و درک این مفهوم ، یکسان بودن درک زیبا در متون دینی ، ضرورت جای دهی زیبایی در برنامه درسی و امادگی وی جهت احساس و لذت بردن از آفریده های مخلوق و زیبایی های اجتماع و طبیعت ، درکنار شناخت، برهان و استدلال ، به هنر و زیبایی شناسی نیز توجه شود.

منابع و مراجع

[۱] آژندیعقوب**تاریخچه زیبایی‌شناسی و نقد هنر**، اتینگهاوزن و دیگران. ترجمه ، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر موسی

[۲] احمدی، بابک،**حقیقت و زیبایی**(درسهای فلسفه هنر) ، نشر مرکز، تهران۱۳۸۰

[۳] امینی، محمد ، **تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش**، نشر آییژ، تهران،۱۳۸۳

[۴] * اعوانی،غلامرضا،**تقریرات درسی**،انجمن حکمت وفلسفه،ایران.تهران۱۳۷۸

[۵] بنتدتو کروچه(۱۹۷۲)، **کلیات زیبایی شناسی**، ترجمه فواد روحانی، انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۷۲

[۶] بوذرینژاد، یحیی ، **تعریفهنروزیبایی**، قاضیسعیدقمی، نشریه فرهنگ.تهران ۱۳۸۳

[۷] فولادوند، عزت الله،**فلسفه کانت** برایان مگی، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۳۲

[۸] -.کانت ، ایمانوئل، ، **نقد قوه حکم**، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، : نشر نی، ، ص ۱۰۰ .تهران۱۳۷۷

[۹] -کاپلستون، **کانت**، ترجمه منوچهر بزرگمهر، انتشارات دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۶۰

[۱۰] -گوردنگراهام،۱۹۹۳**فلسفههنرها**،ترجمهمسعودعلیا:: ققنوس،،ص ۱۴ و ۱۳.تهران۱۳۸۳

[۱۱]نیوتون، اریک(۱۹۶۴) ، **معنی زیبایی شناسی**، پرویز مرزبان، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۶

[۱۲]ریخته گران، محمد رضا، **تاملی در مبانی نظری هنر**، نشر ساقی۱۳۸۰

[۱۳]زایس، آوانر **زیبایی شناسی علمی**(۱۹۶۵)، ترجمه فیدون شایان ، نشر کتاب، ۱۳۶۳

[۱۴]وزیری، علینقی، **زیبایی شناسی در هنر و طبیعت** ، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۹

[15] Ariella Saperstein. BEAUTY AND MORALITY in SCHILLER'S AESTHETIC EDUCATION AND BEYONDA Study of the Letters on the Aesthetic Education of Man,April 26,2006

[16] Danto, A. (1994), "Beauty and Morality", in: Embodied Meanings: Critical Essays

[17] and Aesthetic Meditation, New York: Farrer Straus Giroux.

[18] E, kant, A nalytic of Beautiful.tra w.cerf.Newyourk,1963(1990)

[19] Hodin, J.P. (Winter 1967), "The aesthetics of modern art", The Journal of Aesthetics

[20] and Art Criticism 26, no.2.

[21] Iversen, M. (Summer 2004), "Readymade, Found Object, Photograph", Art Journal.

[22] [J] Kant, Immanuel. Critique of the Power of Judgment. Trans. Paul Guyer and

[23] Eric Matthews. New York: Cambridge1790,

[24] Mehmet Atalay,2007 .kant,sAesthetic Theory:Subjectivity vs. Universal

[25] Stanford University

[26] Mandoki, Katya Journal of Aesthetic Education;Summer2000, Vol. 34 Issue 2, p

[27] AUTHOR(S)

[28] TITLEApplying Kant's Aesthetics to the Education Dialogue: Paul Guyer and Henry Allison on Allison's Kant's Theory of TastePaul Guyer and Henry E. Allison Carleton University

[29] Combridge university press2006۳)

[30]

[31] Zalta edwrrd۲۰۱۳وCenter for the Study of Language and Information, Stanford University, Stanford, CA 9430

[32] Svetlana Nikitina

[33] Mind Ahead of the Tone From: The Journal of Aesthetic Education Volume 38, Number 1, Spring 2004